

ترجمه فنی و مترجم فنی

آتنا رکنی^۱

آریا رکنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

چکیده

ترجمه فنی مدتهاست که به عنوان جوجه اردک زشت ترجمه به ویژه در محافل دانشگاهی تلقی می شود. به خصوص ترجمه‌ی فنی که هیجان‌انگیز یا جذاب نیست و قطعاً فاقد زرق و برق و جذابیت‌های دیگری که انواع ترجمه‌ها دارند است، در نتیجه اغلب به بخش پایینی فعالیت‌های ترجمه تنزل می‌یابد و به بیش از تمرینی که در اصطلاح‌شناسی تخصصی و دانش موضوعی است تلقی می‌شود. در واقع این عوامل به‌ویژه دانش موضوعی در برخی زمینه‌ها منجر به ترس و نفرت از ترجمه فنی مانند یک بیگانه امروزی دنیای زبانی شده است. این که ترجمه فنی به طور سنتی به عنوان پسر عموی فقیر ترجمه «واقعی» در ادبیات تلقی می شد واضح است. این نوع ترجمه حرفه‌ای و صنعتی تا حد زیادی در ادبیات نظریه ترجمه نادیده گرفته شده است. یک نظرسنجی روشنگرانه که توسط فرانکو آیکسلا (۲۰۰۴) انجام شد گزارش می دهد از ۲۰۴۹۵ نشریه فهرست شده در کتابشناسی چند زبانه تحقیقات ترجمه BITRA^۱ تنها ۱۹۰۵ یا ۹٫۳٪ به ترجمه فنی پرداخته اند. از سوی دیگر ترجمه ادبی موضوع حدود ۴۳۱۴ مدخل است که ۲۱ درصد از کل مدخل‌ها را علیرغم جایگاه ویژه‌ای که در کار حرفه‌ای دارد تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی

مطالعات ترجمه، ترجمه فنی، معادل یابی، مترجم فنی

۱. کارشناسی آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان زاهدان، زاهدان، ایران. (Eliyasseeerok@gmail.com)

۲. کارشناسی آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان زاهدان، زاهدان، ایران

۱ BITRA کتابشناسی تفسیر و ترجمه است که توسط خاویر فرانکو در گروه ترجمه و تفسیر دانشگاه آلیکانته ایجاد شده است. این منبع مفید مبتنی بر وب را می توان در http://cv1.cpd.uaes/tra_int/usu/buscar.asp?idioma=en یافت.

مقدمه

کاری که در این زمینه انجام شده است تا حد زیادی به مسائل اصطلاحی یا مسائل فنی (مانند حافظه های ترجمه یا ترجمه ماشینی و غیره) محدود شده است و باید به روز شود تا واقعیت های مدرن ترجمه فنی را منعکس کند. (پینچاک ۱۹۷۷، سایکس ۱۹۷۱). با این حال ترجمه فنی روشی بسیار امیدوارکننده تر است از آنچه که بسیاری برای تحقیقات نظری گمان می کنند. در واقع ریشه های اجتناب ناپذیر آن در ترجمه تجاری و ارتباطات فنی باعث شده است که این حوزه ترجمه حتی غنی تر و پیچیده تر از آنچه قبلاً تصور می شد تبدیل شود.

هدف این فصل به چالش کشیدن برخی تصورات غلط در مورد ترجمه فنی و توصیف واقعیت این نوع از ترجمه است. من همچنین سعی خواهم کرد که ترجمه فنی را با برخی از نظریه های رایج تر در ترجمه مرتبط کنم. دو دلیل اصلی برای این وجود دارد. اولاً نشان دادن اینکه ترجمه فنی شایسته مطالعه نظری است و ثانیاً نشان دادن اینکه ترجمه فنی همانند سایر انواع ترجمه تخصصی به خوبی در هیچ نظریه یا رویکردی نمی گنجد و هنوز توضیح کافی مبنی بر این که ترجمه فنی به عنوان یک فعالیت است وجود ندارد.

اهمیت ترجمه فنی

تخمین زده شده است که ترجمه فنی هر سال حدود ۹۰ درصد از کل خروجی ترجمه جهان را تشکیل می دهد (کینگ اسکات ۲۰۰۲:۲۴۷). با توجه به اهمیتی که به در دسترس بودن اطلاعات فنی به زبان های مختلف داده می شود که تا حدی به دلیل تمرکز فزاینده بین المللی بسیاری از شرکت ها و تا حدودی در نتیجه قوانینی مانند قطعنامه C ۴۱۱ اتحادیه اروپا (۱۹۹۸a) تعجب آور نیست. دستورالعمل اتحادیه اروپا ۳۷/۹۸ EC (شورای اتحادیه اروپا ۱۹۹۸b) و دستورالعمل شورای ۴۲/۹۳ EEC (۱۹۹۳) و استانداردهای بین المللی مانند EN ۲۹۲-۲:۱۹۹۱ و EN ۶۲۰۷۹:۲۰۰۱ فقط چند مورد را نام می برند. اینها تنها برخی از قوانین، دستورالعمل ها و مقررات مختلف در سراسر جهان را نشان می دهند که به ارائه اسناد فنی جامع، دقیق و مؤثر به زبان های مختلف نیاز دارند. همراه با افزایش همکاری بین المللی در فعالیت های علمی، فنی و صنعتی واضح است که چرا ترجمه فنی یکی از مهمترین کارفرمایان مترجمان است.

با این حال علیرغم تقاضای بسیار زیاد و اهمیت ترجمه فنی چندین افسانه سرسختانه درباره اهمیت، ماهیت و نقش ترجمه فنی هم در صنعت و هم در دانشگاه وجود دارد.

برخی تصورات غلط

قبل از اینکه ترجمه فنی را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم و سعی کنیم آن را با نظریه های مختلف ترجمه مرتبط کنیم مفید خواهد بود که منظور خود را از "ترجمه فنی" بررسی کنیم و برخی تصورات نادرست در مورد ترجمه فنی را با واقعیت های معنای یک مترجم فنی بودن مقایسه کنیم.

ترجمه فنی شامل بخش های اقتصاد، حقوق، تجارت و غیره است. در واقع «فنی» به معنای دقیق تر مربوط به فناوری و متون فناوری است. فقط به این دلیل که یک اصطلاح تخصصی وجود دارد حتماً نباید موارد فنی را بسازد. در بحث ترجمه فنی تمایز دادن بین ترجمه تخصصی و فنی کاری بسیار کاربردی و مفید است. به عنوان مثال دین دارای اصطلاحات بسیار خاص و قراردادهای، سبک ها و ساختارهای اسنادی بسیار مشخص است اما هرگز به عنوان "فنی" تلقی نمی شود. گرایش LSP در میان نظریه پردازان خاص به گنجاندن متونی مانند متون حقوقی، مالی و اقتصادی در حوزه ترجمه فنی چندان مفید و کاربردی نیست زیرا هر حوزه ویژگی ها، الزامات و محدودیت های منحصر به فرد خود را

دارد. صرفاً به این دلیل که یک رشته یا حوزه موضوعی، اصطلاحات منحصر به فرد یا تخصصی دارد آن را فنی نمی‌سازد. این بدان معنا نیست که ترجمه مالی یا در واقع ترجمه حقوقی شایسته مطالعه دقیق به عنوان حوزه های خاص خود نیستند در واقع تعدادی کتاب بسیار مفید در این زمینه ها مانند آلکاراس و هیوز (۲۰۰۲) وجود دارد که در اینجا مورد بحث قرار نخواهند گرفت. در عوض این کتاب تعریفی از ترجمه فنی را که ریشه در صنعت ترجمه و در واقع صنعت به عنوان یک کل دارد را مبنای خود قرار می‌دهد یعنی اینکه ترجمه فنی با متون تکنولوژیک سروکار دارد. یا به طور خاص تر ترجمه فنی به متونی در موضوعات مبتنی بر دانش کاربردی از علوم طبیعی می‌پردازد.

ترجمه فنی همه چیز در مورد اصطلاحات است. این تصور نادرست منحصر به کسانی نیست که در ترجمه فنی دخالتی ندارند. تعداد شگفت‌انگیزی از افراد در ترجمه فنی این باور را دارند برای مثال پینچاک (۱۹۷۷:۱۹) ادعا می‌کند که واژگان مهم ترین ویژگی زبانی متون فنی است. این درست است تا آنجا که اصطلاحات قابل توجه‌ترین جنبه یک متن فنی است و در واقع «سوخت» مورد نیاز متن را برای انتقال اطلاعات را می‌دهد. با این وجود نیومارک (۱۹۸۸) ادعا کرده است که اصطلاحات حداکثر ۵-۱۰ درصد از کل محتوای متون فنی را تشکیل می‌دهد اما توجه نامتناسبی به اصطلاحات و مسائل واژگانی در ترجمه فنی وجود دارد. یک جستجوی موضوعی ساده برای "ترجمه فنی" در پایگاه داده کتابشناختی BITRA نشان می‌دهد که بیش از نیمی از ۱۵۰ مدخل یافت شده به مسائل اصطلاحی یا واژگانی مربوط می‌شود.

آنچه که این موضوع را شگفت‌انگیزتر می‌کند این واقعیت است که در بسیاری از زمینه‌های علم و فناوری اصطلاحات به‌طور قابل توجهی مشابه است تا حدی که فرهنگ لغت‌های جداگانه و تخصصی اغلب غیر ضروری هستند. در واقع فیشباخ (۱۹۹۳ و ۱۹۹۸) به شبه انطباق اصطلاحات پزشکی به لطف منشأ مشترک در لاتین و یونانی اشاره می‌کند. بنابراین بسته به جفت‌های زبانی خاص، مترجم باید در یافتن عبارات تخصصی مناسب در زبان مقصد نسبت به اصطلاحات غیرتخصصی و عمومی مشکل کمتری داشته باشد. به طور مشابه در محاسبات و فناوری اطلاعات اصطلاحات عمده‌تاً یکنواخت است تا حدی که دلیل غلبه زبان انگلیسی در ایجاد اصطلاحات جدید و گسترش اصطلاحات اختصاصی و در دسترس بودن اصطلاحات از شرکت‌های نرم‌افزاری به عنوان مثال واژه‌نامه‌های مایکروسافت که به هر زبانی که محصولات مایکروسافت به آنها بومی سازی شده‌اند موجود است.

با این حال شاید مهم‌تر از اصطلاحات در واقع دانستن نحوه نوشتن متون باشد. مترجمان باید متونی را تولید کنند که با متن های تولید شده توسط نویسندگان فنی که در زبان مقصد کار می‌کنند یکسان باشد (فیش باخ ۱۹۹۸: ۲). عدم رعایت قراردادهای متن زبان مقصد می‌تواند اعتبار متن، نویسنده و اطلاعات موجود در متن را تضعیف کند و زیر سوال ببرد. اونیل (۱۹۹۸:۷۲) ادعا می‌کند که "هیچ جایگزینی برای دانش کامل زبان مقصد وجود ندارد". برای انجام این کار لازم است به نگارش فنی نگاه کرد و این موردی نیست که بسیاری از مترجمان چه به عنوان بخشی از آموزش و چه به عنوان ترجمه فرصت انجام آن را داشته باشند. بخشی از این تلاش برای بهبود مهارت های خود آن ها است. به گفته لی جانک (۱۹۹۸:۸۳-۸۴) سه چیز برای یادگیری نحوه برخورد با متون علمی و فنی ضروری است:

- ساختار متن در زبان های مختلف را بشناسید
- منطقه LSP را بشناسید
- حوزه موضوعی را بشناسید

سبک در ترجمه فنی مهم نیست. این شاید یکی از آزاردهنده‌ترین تصورات غلط برای مترجمان فنی باشد چون کاملاً بی‌اساس است و به این معناست که مترجمان فنی مانند سایر مترجمان مهارت‌های کافی زبانی و نوشتاری را ندارند. شاید این مشکل از نظرات متفاوت در مورد ماهیت سبک و این باور عمومی که منحصرأ به ادبیات مربوط می‌شود ناشی شود. اگر از لحاظ ادبی به سبک نگاه کنیم در ترجمه فنی جایگاهی ندارد. اما اگر سبک را به عنوان شیوه نوشتن مواردی مثل کلماتی که انتخاب می‌کنیم و نحوه ساخت جملات در نظر بگیریم در آن صورت سبک در ترجمه فنی به همان اندازه یا حتی بیشتر از سایر زمینه‌ها مهم است زیرا به دلیلی وجود دارد نه صرفاً برای دلایل هنری یا سرگرمی همانطور که کورنینگ زشن (۱۹۹۹:۷۲) بیان می‌کند متون ادبی "انحصار بیان و خلاقیت را ندارند". برای نشان دادن این موضوع بروشور حاوی دستورالعمل استفاده از یک محصول را در نظر بگیرید. فضای محدود موجود مستلزم آن است که نویسنده و مترجم به طور یکسان اطلاعات را به گونه‌ای بیان کنند که به اندازه کافی واضح، ساده و مختصر باشد تا به خوانندگان اجازه دهد اطلاعات را به طور کامل و سریع درک کنند اما با این وجود تمام حقایق لازم را منتقل کند. در مقایسه شعری را در نظر بگیرید که در آن نویسنده ممکن است به طور عمدی ابزارها، ساختارها و استعاره‌های سبکی را انتخاب کند که معنی را مبهم می‌کند و آن را برای چندین تفسیر آماده میکند تا بر لذت خوانندگان از شعر بیفزاید. هر دو موقعیت به استفاده از سبک و بیان زبانی برای دستیابی به تأثیرات مورد نظر نیاز دارند اگرچه این رویکردها در انتها ممکن است مخالف طیف سبک باشند.

در بسیاری از موارد اهمیت یا حتی وجود سبک در متون فنی کاملاً ناشناخته است عمدتاً به دلیل این باور که از آنجایی که زبان فنی کاربردی است، باید «ساده» باشد و از هر نوع سبک یا هویت زبانی پاک شود. با این حال در واقعیت ترجمه فنی تلاشی بسیار پیچیده است و سبک یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن است. به همین دلیل این کتاب مفهوم سبک و کاربرد آن در ترجمه فنی را مبنای خود قرار خواهد داد. این کتاب نشان خواهد داد که سبک که در بهترین حالت به عنوان راهی برای اطمینان از انطباق با هنجارهای زبان مقصد در نظر گرفته شده است در واقع می‌تواند تأثیرات بسیار عمیق‌تری بر کیفیت ترجمه‌های فنی داشته باشد.

ترجمه فنی خلاقانه نیست؛ این به سادگی یک فرآیند انتقال مولد است. در حالی که ترجمه فنی «بی‌تردید از نظر دامنه محدودتر از ترجمه زیبایی‌شناختی است» خیلی آسان است که سادگی ظاهری آن را بیش از حد برآورد و اغراق کرد (پینچاک ۱۹۷۷:۲۰). اما برای انتقال اطلاعات به روشی مناسب و مؤثر مترجمان فنی باید راه‌حل‌های زبانی بدیع و خلاقانه‌ای را برای اطمینان از ارتباط موفق بیابند. این کار اغلب با واژگان محدود و محدودیت‌های سبکی مختل می‌شود این دستاورد را بیش از پیش چشمگیر می‌کند.

شما باید در یک زمینه بسیار تخصصی متخصص باشید. این باور رایج وجود دارد که برای اینکه بتوانید یک مترجم فنی خوب باشید باید در یک زمینه بسیار تخصصی متخصص باشید و نمی‌توانید در بیش از یک یا دو حوزه موضوعی تخصص داشته باشید. اما واقعیت این است که بسیاری از مترجمان فنی مسلح به درک خوب و محکم از اصول و فناوری‌های اساسی، به قول رایینسون (۲۰۰۳:۱۲۸) می‌توانند آن را جعل کنند. او می‌گوید که «مترجمان... با تظاهر به حرفه‌هایی که معمولاً هرگز آن‌ها را انجام نداده‌اند (یا دست‌کم طوری صحبت می‌کنند یا می‌نویسند) امرار معاش می‌کنند. آنها مانند بازیگرانی هستند که «در حال وارد شدن به شخصیت» هستند.

با این حال برای اینکه مترجمان فنی مشت‌ی شارلاتان بد اخلاق نامیده شوند که مشتریان ناخواسته را فریب می‌دهند باید نظرات رایینسون را در نظر بگیریم. مفهوم تظاهر به متخصص بودن به این معنی است که مترجم باید به اندازه کافی دانش موضوعی داشته باشد تا بداند چگونه با متن برخورد کند یا بتواند اطلاعات اضافی مورد نیاز را به دست آورد. تحقیق در مورد یک موضوع جدید برای ترجمه زمانی که حداقل چیزی در مورد آن می‌دانید در مقایسه با زمانی که اصلاً چیزی نمی‌دانید همیشه آسان تر است. بنابراین ضروری است که مترجمان دارای مهارت‌های پژوهشی عالی استفاده کامل از متون موازی و درک بسیار خوبی از اصول کلی علمی و فنی باشند. مترجمان فنی باید نویسنده اصلی را «جعل هویت» کنند که عموماً در یک زمینه خاص متخصص است البته نه همیشه و باید با همان اختیارات یک متخصص در زبان مقصد بنویسند. بنابراین در این مورد چالش‌های واقعی مترجم فنی این است که بتواند در مورد موضوعات تحقیق کند و دانش تخصصی از نحوه نگارش متون متخصصان در یک زمینه خاص را داشته باشد. می‌توانیم زمینه‌های تخصصی ضروری برای مترجمان فنی را در چند مورد خلاصه کنیم:

- دانش موضوعی
- مهارت‌های نوشتن
- مهارت‌های تحقیق
- دانش ژانرها و انواع متون
- مهارت‌های آموزشی

با توجه به دانش موضوعی اونیل (۱۹۹۸:۶۹) می‌گوید که پزشکی، پرستاری، دندانپزشکی و غیره همگی برخی از دانش موضوعی به عنوان مثال فیزیک، زیست‌شناسی، فارماکولوژی و غیره را به اشتراک می‌گذارند. در نتیجه آنچه معمولاً به عنوان تخصص‌های کاملاً مجزا در نظر گرفته می‌شود اغلب دانش پایه یکسانی را به اشتراک می‌گذارد. همین امر را می‌توان در مورد انواع دیگر حوزه‌های فناوری مانند: مهندسی، مکانیک، ساخت و ساز و غیره بیان کرد. همه آنها کم و بیش دانش اصلی یکسانی را دارند.

وقتی صحبت از دانش موضوعی تخصصی به میان می‌آید این یک واقعیت است که شما نمی‌توانید در هر زمینه‌ای تسلط کافی داشته باشید بنابراین احتمالاً بهترین کار این است که یک پایه خوب در زمینه‌های موضوعی عمومی‌تر و قابل انتقال به دست آورید و بر روی آن تکیه کنید و همراه با توانایی تحقیق در زمینه‌های جدید برای مقابله با موضوعات نا آشنا را داشته باشید. بنابراین برای یک مترجم فنی به دست آوردن درک خوب از مبانی علم و فناوری می‌تواند مبنای خوبی برای کاربردهای متنوع در ترجمه فنی باشد.

در ترجمه فنی همه چیز در مورد انتقال اطلاعات تخصصی است. این به طور کامل درست نیست البته نگرانی اصلی مترجمان فنی این است که مطمئن شوند اطلاعات به طور دقیق منتقل می‌شود اما آنها همچنین مسئول اطمینان از ارائه اطلاعات به شکل صحیح و کامل هستند، از طرفی اینکه اطلاعات به درستی و موثر استفاده و ارائه شوند نیز هستند. مسئولیت‌های مترجم بسیاری از مسئولیت‌های نویسنده فنی را در بر می‌گیرد و ممکن است تغییرات کاملاً اساسی را در بر داشته باشد. ترجمه فنی، دانش دقیق مبدا و مقصد فرهنگ‌ها، قراردادهای زبان مقصد، نوع متن و قراردادهای ژانر، سیاق، سبک، درک دقیق مخاطبان، درک چگونگی یادگیری و استفاده مردم از اطلاعات را چه مترجمان متوجه شوند یا خیر را شامل می‌شود. فصل‌های بعدی این کتاب به ویژه فصل ۲ نشان خواهد داد که صرف ارائه

اطلاعات به خوانندگان کافی نیست. خوانندگان باید بتوانند اطلاعات را با کمترین تلاش ممکن جذب کنند. اطلاعات ارائه شده در اسناد فنی یک وسیله است تا هدف و نباید بر کار خوانندگان بیفزاید.

واقعیت ترجمه فنی

با نگاهی به برخی از تصورات غلط رایج تر و جدی تر ترجمه فنی وقت آن است که به حقیقت پشت ترجمه فنی نگاه کنیم. هدف ما در اینجا ارائه یک درمان جامع و کامل از این حوزه نیست بلکه ارائه یک نمای کلی و بینش خوب در مورد آن است. این بخش به دنبال توصیف واقعیت ترجمه فنی در یک زمینه حرفه ای است برای توصیف اینکه مترجمان فنی چه کاری انجام می دهند و چه عواملی بر کار آنها تأثیر می گذارد.

ترجمه علمی در مقابل فنی

یکی از بزرگترین اشتباهات در بحث ترجمه فنی این است که به نحوی آن را با ترجمه علمی یکی می کنیم یا بدتر از آن استفاده از این دو اصطلاح به جای یکدیگر است. در سراسر ادبیات ترجمه در ارجاعات کوتاه مکرر به ترجمه فنی تعبیر ترجمه علمی و فنی را می بینیم، جایی که شاید به دلیل راحتی نویسندگان مشکلی در برخورد با این دو خواهر و برادر به عنوان دوقلوهای به هم چسبیده یا حتی به عنوان یک شخص نمی بینند. این خطای اساسی فقط باعث سردرگمی موضوع می شود زیرا ترجمه علمی و فنی یکسان نیستند و به همین ترتیب نمی توان آنها را به یک اندازه مقایسه کرد. علیرغم ارتباط آشکار بین این دو وجود دارد یعنی هر دو با درجات مختلف بر اطلاعات و اساس کار دانشمندان سروکار دارند اما ترجمه علمی کاملاً از ترجمه فنی متمایز است. مطمئناً هر دوی آنها حاوی اصطلاحات تخصصی هستند و در ظاهر به موضوعات علمی پیچیده (تا حدی) می پردازند اما خیلی آسان است که این شباهت های ظاهری را به قیمت تفاوت های دیگر و قانع کننده تر بیش از حد برآورد کنیم.

یکی از ساده ترین راه ها برای ابهام زدایی این است که به خود کلمات نگاه کنید: علمی و فنی. علم به علم مربوط می شود که توسط فرهنگ لغت چمبرز به عنوان "دانش به دست آمده با مشاهده و آزمایش، آزمایش انتقادی، نظام مند و تحت اصول کلی" تعریف شده است (چمبرز ۱۹۹۲). فنی مربوط به فناوری است که توسط فرهنگ لغت انگلیسی مختصر آکسفورد به عنوان "کاربرد دانش علمی برای اهداف عملی" تعریف شده است. بنابراین می توان گفت که ترجمه علمی به علم ناب در تمام شکوه نظری، باطنی و مغزی آن مربوط می شود در حالی که ترجمه فنی به نحوه استفاده عملی از دانش علمی و همه چیز مربوط می شود. تمایز بین ترجمه علمی و فنی توسط علوم اطلاعات نیز تایید شده است. پینچاک (۱۹۷۷:۱۳) اشاره می کند که حتی در کتابخانه ها، علوم محض تحت ۵ جایگاه طبقه بندی می شوند در حالی که علوم کاربردی یعنی مواد فناوری تحت ۶ جایگاه طبقه بندی می شوند.

بنابراین ترجمه علمی و فنی یک اصطلاح عمومی است که برای اشاره به علم محض، تحقیقات علمی کاربردی و فناوری استفاده می شود. اما این موضوع به تنهایی نیست که ترجمه علمی را از فنی متمایز می کند. ترجمه فنی (و ارتباطات فنی که بعداً پوشش داده خواهد شد) را می توان در سطح پایه بر اساس:

۱. موضوع
۲. نوع زبان
۳. هدف
- در نظر بگیریم.

بنابراین هم می‌توانیم برای مثال یک مقاله علمی را ترجمه کنیم که به مفهوم نیروی الکتروموتور و اثرات جریان‌های عبوری از هادی‌ها می‌پردازد و با فرمول‌ها، فرضیه‌ها، بحث‌ها و محاسبات کامل می‌شود یا می‌توانیم راهنمای نصب یک موتور الکتریکی را ترجمه کنیم. هر دو متن بر این واقعیت استوار است که اگر جریان الکتریکی را از یک تکه سیم عبور دهید یک میدان مغناطیسی ایجاد می‌شود که نیرویی در زاویه قائم به سیم اعمال می‌کند. تفاوت در نحوه استفاده و ارائه دانش است و این یک تفاوت اساسی بین ترجمه علمی و فنی است و بر نوع زبان استفاده شده در متون نیز تأثیر می‌گذارد.

در مقاله علمی ما که هدف بحث، توضیح، توجیه، تحت تأثیر قرار دادن، انتقال، تبدیل و احتمالاً عبور جریان درباره نیروی الکتروموتور است را مورد بررسی قرار می‌دهیم. یک نویسنده از تمام گستره زبان در چارچوب قراردادهای و هنجارهای خاص برای ارائه اطلاعات به شیوه ای جالب، جدی و چشمگیر استفاده می‌کند. در برخی موارد این متون حتی با ادبیات ادبی هم مرز می‌شوند و از همان ابزارها و راهبردهای داستان نویسی یا رمان نویسی استفاده می‌کنند. زبان علمی می‌تواند کاملاً رسمی^۲ باشد (به مقالات مجلات فکر کنید) و اغلب موارد درست مانند یک متن ادبی دارای دامنه قابل توجهی است. در چنین متونی از راهبردهای بلاغی مختلف، اصطلاحات و عبارات یونانی و لاتین و همچنین الحاقات و اصطلاحات مرکب مختلف استفاده می‌شود.

مثال‌های زیر نوع استفاده از زبان ادبی را که در متون علمی و حتی در یک متن یافت می‌شود نشان می‌دهد. در مقدمه کتاب جزئیاتی در مورد اختفیزیک شاترمن و پردری (۱۹۹۳:۱) صحنه نسبتاً زیبایی را ترسیم می‌کنند:

در شکوه یک شب بدون ماه، به دور از آلودگی آسمان به وسیله نور مصنوعی، اولین مکاشفه ستارگان است.

جمله بعدی از کتابی گرفته شده است که در مورد پراکندگی پرتوهای ایکس در گازها، مایعات و جامدات بحث می‌کند که در آن نویسنده از سؤالات بلاغی در میان راهبردهای دیگر برای غنی سازی متن استفاده می‌کند.

چگونگی کاهش ناگهانی اشعه μ در شکل V.5 با رزونانس توضیح داده شده است؟ (هو کینز ۱۹۸۱:۴۷)

گلد اسمیت (۱۹۹۵:۶۸) در بحث منشأ جهان و نظریه بیگ بنگ از عبارت «شیاطین کوچک و خشن» به عنوان روشی طنز آمیز برای توضیح ماهیت هسته‌های هلیوم استفاده می‌کند:

این کسر کوچک از ویژگی‌های هسته‌های هلیوم ناشی می‌شود، شیاطین کوچک و خشنی که به راحتی نمی‌توان آنها را به هسته‌های بزرگ‌تر تبدیل کرد زیرا هیچ هسته پایداری با پنج یا هشت نوکلئون (پروتون یا نوترون) وجود ندارد.

از سوی دیگر، راهنمای نصب برای کمک به کسی نوشته شده است تا کاری را انجام دهد. هدف در اینجا انتقال اطلاعاتی است که یک مهندس برای نصب، اتصال و راه اندازی موتور نیاز دارد. در نتیجه زبانی که استفاده می‌شود این را نشان می‌دهد: ساده، بدون ابهام، مختصر و در صورت وجود کلمه بهتر و غیرقابل توجه است. در اینجا هدف سرگرم کردن خواننده نیست. مردم معمولاً با یک لیوان شراب نمی‌نشینند تا شب را صرف خواندن راهنمای نصب برای

^۲ نوعی از کتاب‌ها و مجلات علمی رایج که زیرمجموعه‌ای از متون علمی را تشکیل می‌دهند تمایل دارند لحن رسمی کمتر و احتمالاً لحن ژورنالیستی بیشتری داشته باشند اما همچنان می‌توانند بین یک سبک شاد و دوستانه و یک لحن رسمی‌تر «علمی» تغییر کنند.

سرگرمی کنند. پینچاک از زبان فنی به عنوان "زبان کارگاهی"^۳ یاد می کند که جایی بین زبان علمی و زبان عمومی است. این مورد کمتر تنظیم و استفاده شده است، حالت ادبی و حتی محاوره ای کمتری دارد، اما همیشه به شدت کاربردی است.

متون علمی از نظر مفهومی دشوارتر و انتزاعی تر از سایر متون دیگر خواهند بود. با این حال آنها اصطلاحات استاندارد بیشتری نسبت به متون در سطوح دیگر خواهند داشت که جستجوی آنها راحت تر است و احتمالاً بهتر نوشته می شوند. متون مبتنی بر فناوری ملموس تر و حاوی اطلاعات کمتری در فضای بیشتری خواهند بود، حالت محاوره ای بیشتری خواهند داشت و مفاهیمی را ارائه می کنند که درک آسان تری دارند. علاوه بر این محصولات و فرآیندهایی در دنیای بیرون وجود خواهد داشت که می توان به آنها اشاره کرد. به عبارت دیگر متون فنی می توانند تا حد زیادی بر دانش جهانی یا پس زمینه تکیه کنند. (پینچاک ۱۹۷۷: ۲۱۸-۲۱۹).

هدف از ترجمه فنی

این ما را به بررسی هدف ترجمه فنی سوق می دهد. در حالی که بحث قبلی ما را به طور کامل به این سمت که بگوییم هدف ترجمه فنی انتقال اطلاعات فنی است میبرد و این فقط نیمی از داستان است. اگرچه این درست است که متون فنی سودمند هستند (پینچاک ۱۹۷۷: ۱۸) و هدفی نسبتاً محدود را ارائه می دهند یعنی ارائه واضح اطلاعات به خوانندگان زبان مقصد را دارند اما در ترجمه فنی هدفی بیشتری از انتقال اطلاعات وجود دارد. چالش ارتباطات فنی این است که اطمینان حاصل کنند که تمام اطلاعات مربوطه گونه ای منتقل شود که خوانندگان بتوانند به راحتی، به درستی و به طور موثر از اطلاعات استفاده کنند. در واقع این هدف دقیقاً همان هدف نگارش فنی است که جای تعجب نیست که اساس ترجمه فنی را تشکیل دهد زیرا مواد اولیه فعالیت های ترجمه را تأمین می کند.

نقش مترجم

با توجه به موقعیت مرکزی آن در کل فرآیند ترجمه، نقش مترجم به طور قابل درکی پیچیده تر از سایر شرکت کنندگان است و به همین دلیل مستلزم بررسی دقیق تر است.

مانند نویسنده فنی زبان مبدأ، وظیفه اصلی مترجم انتقال اطلاعات از طریق متن است. این هدف جایگزین هر تمایل یا قصدی برای انتقال متن مبدأ به زبان مقصد است. همانطور که رابینسون (۲۰۰۳: ۱۴۲) بیان می کند "مترجمان کلمات را ترجمه نمی کنند بلکه آنچه را که مردم با کلمات انجام می دهند ترجمه می کنند". در این مورد ما با این واقعیت که با دو زبان متفاوت سروکار داریم، پیچیدگی های اضافه ای داریم، یک چارچوب کاملاً دقیق که در آن متن هدف (یعنی خلاصه ترجمه و متن مبدأ)^۴ تولید می شود.

^۳ پینچاک (۱۹۶۴-۱۹۹۷: ۱۶۳) مشتاق است تأکید کند که منظور از کارگاه به معنای تحقیر آمیز نیست. بلکه منعکس کننده یکی از حوزه های سنتی است که دانشمندان در آن کار می کنند و به همان اندازه علمی معتبر است. در هر صورت او بحث جالبی درباره تفاوت زبان علمی و فنی ارائه می دهد.

^۴ من به این نیاز دارم که متن مبدأ را به حدی بالا نبرم که بر روند ترجمه تسلط پیدا کند و تعیین کننده باشد. در اینجا تأکید بر نیازهای مخاطب هدف است و باقی خواهد ماند و نه بر متن مبدأ یا نویسنده. با این اوصاف محدودیتی وجود دارد که هنوز نامشهود است برای کارهایی که مترجم می تواند انجام دهد و مترجم تا چه اندازه می تواند از متن مبدأ منحرف شود. یک روش مفید برای تفکر در مورد این، مفهوم نورد از «کارکرد به علاوه وفاداری» به عنوان بخشی از رویکرد او به نظریه اسکوپوس است (به صفحه ۳۸ مراجعه کنید) اگرچه ورمیر در مورد معرفی قضاوت های ذهنی و ارزشی در نظریه اسکوپوس ملاحظاتی دارد (ورمیر ۱۹۹۶: ۸۳).

با این حال مترجم مانند نویسنده فنی از اطلاعات منابع مختلف (نه فقط متن مبدا) برای تولید متن هدفی استفاده می‌کند که کارآمد باشد و عملکرد ارتباطی مورد نظر را انجام دهد.

در این معنا، مترجم به نویسنده فنی بین‌فرهنگی تبدیل می‌شود که گوپفریک (۱۹۹۳) و امان و ورمیر (۱۹۹۰:۲۷) به آن اشاره کرده‌اند. اما این تنها بهانه‌ای برای ترجمه‌های بی‌پرده و بیش از حد توسط مترجمانی نیست که از نقش خود به عنوان مترجم صرف ناراضی هستند و مشتاق «قدرت» یک نویسنده هستند. در واقع کاملاً برعکس! نشانه یک مترجم فنی خوب توانایی انجام برخی از کارهایی است که یک نویسنده فنی انجام می‌دهد تا مطمئن شود شخصی که در نهایت متن را می‌خواند می‌تواند این کار را با سهولت نسبی انجام دهد و اینکه هر کاری که خواننده باید انجام دهد، با خواندن متن آسان‌تر می‌شود.

با این حال از نظر عملی و حرفه‌ای کار واقعی یک مترجم هنوز تا حدودی نامشخص است و به طور کامل درک نشده است. به قول موسپ (۱۹۹۸:۴۰) "هیچ مشاهدات سیستماتیک یا حتی خود توصیفی درباره نحوه عملکرد مترجم حرفه‌ای هنگام ترجمه وجود ندارد". و در واقع این درست است. ما ممکن است در مورد اینکه واقعاً چه چیزی در ترجمه یک متن دخیل است و چگونه توسط مترجم انجام می‌شود حدس می‌زنیم اما از نظر اینکه مترجم واقعاً چه کاری انجام می‌دهد و چه زمانی ما هنوز تا حد زیادی نمی‌توانیم متوجه شویم و حدس بزنیم. موسپ فرآیند ترجمه را به عنوان فرآیندی متشکل از پنج وظیفه توصیف می‌کند که در ۳ مرحله تولید ترجمه انجام می‌شود:

- فاز ۱: پیش‌نویس
 - فاز ۲: تدوین
 - فاز ۳: پس‌نویس
- در طول این مراحل، مترجمان وظایف زیر را انجام می‌دهند، اگرچه به گفته موسپ نحوه توزیع وظایف مشخص نیست. این امکان وجود دارد که وظایف به صورت متوالی یا موازی انجام شوند.
- وظیفه ۱: متن مبدا را تفسیر کنید
 - وظیفه ۲: ترجمه را بنویسید
 - وظیفه ۳: تحقیقات مورد نیاز برای وظایف ۱ و ۲ را انجام دهید
 - وظیفه ۴: پیش‌نویس ترجمه را برای اشتباهات بررسی کنید و در صورت لزوم تصحیح کنید
 - وظیفه ۵: در مورد پیامدهای کمیسیون تصمیم بگیرید. به عبارت دیگر، کاربران مورد نظر و استفاده از ترجمه چه تأثیری بر وظایف ۱ تا ۴ دارند؟

در حالی که موسپ این مراحل و وظایف را به عنوان توصیفی از ترجمه عملی به عنوان یک کل ارائه می‌دهد آنها به راحتی در ترجمه فنی به کار می‌روند، اگرچه ممکن است که توزیع وظایف و مراحل حتی دشوارتر باشد. با این وجود این توصیف به ارائه یک نمای کلی مفید از مراحل مربوط به تولید یک ترجمه فنی می‌پردازد زیرا نیاز مترجمان را برای انجام تحقیقات به گونه‌ای که نه تنها متن بلکه موضوع را درک کنند و در عین حال از طریق بازبینی و اصلاحات، اطمینان حاصل شود که متن با هنجارهای زبان مقصد و انتظارات مخاطب هدف مطابقت دارد.

ترجمه فنی و معادل‌یابی

رویکردهای مبتنی بر مبدا همانطور که در انواع و سطوح مختلف معادل‌سازی که به طور خلاصه در بالا ذکر شد، نشان‌دهنده یک پایه مشکل‌ساز است که بر اساس آن می‌توان ترجمه فنی را بر آن پایه گذاشت. در حالی که معادل‌یابی ارجاعی می‌تواند اطمینان حاصل کند که ترجمه به طور دقیق اطلاعات مورد نظر را منتقل می‌کند، معادل‌معنایی می‌تواند به جلوگیری از معرفی سبک یا اصطلاحات نامناسب کمک کند و معادل‌یابی مبتنی می‌تواند به جریان اطلاعات و انسجام متون کمک کند. این واقعیت که رویکردهای مبتنی بر مبدا موقعیت ارتباطی کاملی را که در آن متون فنی ترجمه و استفاده می‌شود در نظر نمی‌گیرند مشکلات قابل توجهی را برای مترجم فنی ایجاد می‌کند. از آنجایی که ترجمه فنی یک سرویس ارتباطی با هدف ارائه اطلاعات به مخاطبان جدید است تمرکز بر متن مبدأ و نه بر کسانی که در ارتباط هستند به این معنی است که بخش مهمی از موقعیت ترجمه به سادگی در نظر گرفته نمی‌شود. اگر هدف ارتباط را در نظر نگیریم تشخیص موفقیت آمیز بودن آن اگر نگوییم غیرممکن اما دشوار خواهد بود.

رویکردهای زبان‌شناختی - که با وجود بعد جامعه‌شناختی آن نظریه نایدای یکی از آنهاست - نوعی معادل‌یابی بین متن مبدأ و متن مقصد را پیش‌فرض می‌گیرد. این خوب است تا زمانی که ما صرفاً به متن علاقه مند باشیم و راضی باشیم که متن مقصد به عنوان بازتابی از متن مبدأ خود یک هدف باشد. اما اگر ما به ارزش ارتباطی ترجمه و آنچه مردم با متون انجام می‌دهند علاقه مندیم (نگاه کنید به رابینسون ۲۰۰۳:۱۴۲) نظریه‌های مبتنی بر معادل‌یابی در محاسبه تغییرات، دگرگونی‌ها، اضافات و حذفیات و غیره مشکل دارند که در پروژه‌های ترجمه حرفه‌ای مورد نیاز است. کولر (۱۹۹۵:۱۹۶) هنگامی که از «عوامل و شرایط زبانی - متنی و برون زبانی متناقض و به ندرت قابل تطبیق پذیری» صحبت می‌کند این را تصدیق می‌کند.

رویکردهای مبتنی بر مبدا همچنین این واقعیت را در نظر نمی‌گیرند که ترجمه‌ها پس از «رها شدن در طبیعت» به اصطلاح تابع هنجارها، استانداردها و الزامات متون معاصر می‌شوند که در اصل به زبان مقصد تولید شده‌اند. به عبارت دیگر ترجمه دیگر از سوی مخاطب هدف به عنوان ترجمه تلقی نمی‌شود و در عوض با سایر متون زبان مقصد سنجیده می‌شود. معادل‌یابی به جای اینکه ابزاری برای تولید متون زبان مقصد مستقل و خودمختار در اختیار ما قرار دهد به دلیل نیاز به حفظ پیوند نزدیک بین متون مبدأ و مقصد، متونی را در اختیار ما قرار می‌دهد که فقط بر اساس متن مبدأ قابل ارزیابی هستند. مخاطبان هدف معمولاً از این موضوع اطلاعی ندارند. جدای از این اگر مخاطب هدف در موقعیتی بود که ترجمه را با متن مبدأ مقایسه کند در وهله اول بعید به نظر می‌رسید که به ترجمه نیاز داشته باشد.

مشکلات همچنین از این واقعیت ناشی می‌شوند که گونه‌شناسی‌های مختلف معادل‌سازی به ندرت راهنمایی واقعی درباره نحوه ترجمه واقعی متون ارائه می‌دهند. در حالی که گونه‌شناسی‌های معادل‌سازی مانند کومیساروف در بالا برای برجسته کردن سطوح مختلف معادل‌یابی که ممکن است توسط مترجم به دست آید مفید هستند اما وقتی نوبت به فرآیند واقعی ترجمه می‌رسد اجرای آنها دشوار است. زیرا آنها مشخص نمی‌کنند که کدام نوع معادل در چه شرایطی می‌تواند یا باید مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال در مورد راهنمای کاربر آیا مترجم باید برای معادل‌یابی معنایی به تنهایی تلاش کند یا معادل معنایی و متنی؟ همانطور که فاست (۱۹۹۷:۶۲) می‌گوید: "این فقط کمی مفیدتر از ضرب المثل قدیمی ترجمه که می‌گوید "تا حد امکان تحت اللفظی، تا حد لزوم آزاد" است." برخی از رویکردهای مبتنی بر مبدا در واقع نوعی از قوانین تجویزی را برای اعمال در فرآیند ترجمه ارائه می‌کنند برای مثال شوائتسر (۱۹۸۷). اگرچه جالب و

روشنگر هستند اما برای کاربردهای عملی مفید نیستند زیرا به طور کلی بیش از حد دست و پا گیر و متعدد هستند که یک نفر نمی تواند آن را به خاطر بسپارد و اجرا کند. در هر صورت در طرح هایی مانند شوایتسر که دارای ۵۵ قانون است تنها بخش کوچکی از قوانین در هر کار ترجمه اعمال می شود. زمانی را که مترجم صرف تلاش برای تصمیم گیری در مورد اینکه کدام یک از این قوانین در بخش های مختلف متن اعمال می شود می کند، بهتر است صرف خواندن متن یا تحقیق در متون موازی شود.

نتیجه گیری

راهبردهای ترجمه متعددی مانند اصلاح، جابه جایی، بازنویسی، ترجمه تحت اللفظی، گرده برداری و غیره در دسترس مترجمان قرار دارد. همه این استراتژی ها در زمان های مختلف هنگام پرداختن به متون مختلف ضروری هستند. مشکلی که ما به عنوان مترجم با آن روبرو هستیم این است که بسته به اینکه کدام نظریه ترجمه را پذیرفته ایم ممکن است یک یا چند مورد از این استراتژی ها ممنوع یا در بهترین حالت با روح نظریه خاص ناسازگار باشد. در واقع این راهبردها از نظر تأثیراتشان به قدری متفاوت هستند که غیرممکن به نظر می رسد که بتوان آنها را به راحتی در یک «نظریه» ترجمه ادغام کرد. به عنوان مثال رویکردهای زبانی رسمی تر ممکن است در اجازه دادن به استفاده از بازنویسی مشکل داشته باشند، عمدتاً به این دلیل که آنها بازنویسی ها را به عنوان ترجمه های «واقعی» در نظر نمی گیرند. با رویکردهای مبتنی بر معادل یابی رسمی در محافظه کارانه ترین حالت، هر چیزی غیر از ترجمه کلمه به کلمه غیرقابل قبول خواهد بود. به همین ترتیب اگر ما به دنبال هدف تعادل پویا هستیم که توسط نایدا توصیف شده است ممکن است از استفاده از گرده برداری ها یا معرفی واژه های قرضی منع شویم. با این حال ما به عنوان مترجم تقریباً از همه این استراتژی ها در مراحل مختلف گاهی اوقات حتی در یک پروژه، متن یا پاراگراف استفاده می کنیم. و به نظر می رسد که این بخشی از مشکل بسیاری از ادبیات ترجمه است، یعنی اینکه یک مترجم می تواند یک هدف کلی برای ترجمه داشته باشد برای مثال ترجمه هدف گرا، اما همچنان از رویکردها و راهبردهای اعم از ترجمه تحت اللفظی گرفته تا بازنویسی ریشه ای، اضافه و حذف بدون به خطر انداختن هدف ارتباطی فرآیند ترجمه استفاده می کند.

این ایده که هیچ یک از نظریه های ترجمه به عنوان مثال آزاد، تحت اللفظی، رسمی، پویا و غیره نمی تواند ترجمه فنی را به طور کامل توضیح دهد توسط نظریه اسکوپوس تایید می شود. نورد (۱۹۹۷:۲۹) توضیح می دهد که هدف یک پروژه ترجمه خاص ممکن است به «یک ترجمه آزاد یا وفادار، یا هر چیزی در این بین... بسته به هدف ترجمه» نیاز داشته باشد. در واقع در یک متن خاص ممکن است نیاز داشته باشیم که برای عبارات، جملات یا پاراگراف های جداگانه، اغلب بین ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد جابجا شویم.

بنابراین به نظر می رسد که ساده ترین راه برای حفظ تمام ابزارها و استراتژی های در دسترس مترجم پذیرش یک رویکرد ارتباطی در ترجمه مانند آنچه که توسط گات پیشنهاد شده است بدون این ابهام که چه چیزی به عنوان یک ترجمه شناخته می شود است. به هر حال متون برای انتقال اطلاعات نوشته می شوند و ترجمه ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بنابراین به نظر می رسد نظریه اسکوپوس چارچوب انعطاف پذیرتری ارائه می دهد که تضمین می کند که استراتژی ها و تکنیک های ترجمه می توانند به طور مشروع در هر کجا که مترجم آن را مناسب بداند استفاده شوند. ما فقط با توجه به اسکوپوس پروژه و متن استراتژی های مناسب را انتخاب می کنیم. همانطور که نورد تأکید دارد "هدف ترجمه، روش های ترجمه را توجیه می کند" (۱۹۹۷:۱۲۴).

با این حال این بدون مشکل نیست، به ویژه به دلیل اینکه مترجمان باید تصمیماتی بگیرند که در بهترین حالت ممکن است مستدل اما موقت یا در بدترین حالت، ذهنی تلقی شوند. اما این مشکل ذاتی تمام رویکردهای نظری ترجمه است و منحصر به نظریه اسکوپوس نیست. با این حال به نظر من نظریه اسکوپوس تنها رویکردی است که حقیقت حرفه ای ترجمه و خواسته ها، انتظارات و تعهدات مترجمان را به درستی شناسایی می کند.

برای پایان دادن به این فصل شایان ذکر است که برخی از نکات مهمی که باید در ترجمه متون فنی مورد توجه قرار گیرند، مجدداً بیان کنیم:

۱. باید بر نیازهای مخاطبین مقصد تمرکز داشته باشیم که ترجمه برای آنها انجام می شود و آنها داور این هستند که آیا یک ترجمه واقعاً خوب است یا نه؛
 ۲. باید درک کنیم که مخاطبین مقصد چه نیازها و خواسته هایی دارند؛
 ۳. باید درک کنیم که چگونه ارتباطات فنی در زبان مقصد کار می کند اگر می خواهیم متون مستقلاً تولید کنیم که "رقابت" کننده با متون دیگر تولید شده در آن زبان باشند؛
 ۴. باید به یاد داشته باشیم که اضافه کردن، تغییر دادن یا حذف کردن اطلاعات به عنوان بخشی از فرآیند ترجمه ضروری است تا ارتباط موثر از طریق یک متن فنی برقرار شود.
- در فصل بعدی به حوزه ارتباطات فنی و به ویژه ماهیت راهنمای کاربر نگاه دقیق تری خواهیم داشت. فقط با بررسی و درک شرایطی که تحت آن این اسناد تولید می شوند و محیطی که در آن استفاده می شوند می توانیم بفهمیم که یک مترجم فنی چه کاری باید انجام دهد تا این ترجمه ها به عنوان نسخ اصلی عمل کنند.

منابع

- Abdallah, Kristiina. 2011. "Quality problems in AVT production networks: Reconstructing an actor-network in the subtitling industry". In Adriana Șerban, Anna Matamala and Jean-Marc Lavaur (eds.)
- Audiovisual Translation in Close-Up: Practical and Theoretical Approaches. Bern: Peter Lang, 173–186.
- Al-Adwan, Amer. 2019. "Mapping Arabic subtitling conventions: The case of Dubai One and MBC 2". In Said Faiq (ed.) Arabic Translation Across Discourses. London: Routledge, 63–78.
- Allan, Keith and Kate Burridge. 2006. Forbidden Words. Taboo and the Censoring of Language. Cambridge: Cambridge University Press.
- Apter, Ronnie. 1985. "A peculiar burden: Some technical problems of translating opera for performance in English". Meta 30(4): 309–319.
- ARD. N.d. Deutsch lernen mit Untertiteln in der ARD. daserste.de/specials/service/barrierefreiheit-im-ersten-untertitel-leichtes-deutsch-100.html
- Armstrong, Stephen, Andy Way, Colm Caffrey, Marian Flanagan, Dorothy Kenny and Minako O'Hagan. ۲۰۰۶. "Improving the quality of automated DVD subtitles via example-based machine translation". In Proceedings of Translating and the Computer 28. London: Aslib, 1–13. mt-archive.info/Aslib-۲۰۰۶-Armstrong.pdf
- Arnáiz, Carmen. 1998. "El humor de las chicas de Almodóvar. La liberación de la lengua femenina". International Journal of Iberian Studies 11(2): 90–100.
- Artegianni, Irene and Dionysios Kapsaskis. 2014. "Template fles: Asset or anathema? A qualitative analysis of the subtitles of The Sopranos". Perspectives 22(3): 419–436.

- Asimakoulas, Dimitrios. 2004. "Towards a model for describing humour translation: A case study of the Greek subtitled versions of *Airplane!* and *Naked Gun*". *Meta* 49(4): 822–842.
- Athnasiadi, Rafaella. 2017. "Exploring the potential of machine translation and other language assistive tools in subtitling: A new era?". In Mikołaj Deckert (ed.) *Audiovisual Translation: Research and Use*. Frankfurt am Main: Peter Lang, 29–49.
- Attardo, Salvatore. 2002. "Semiotics and pragmatics of humor communication". *Babel A.F.I.A.L* 1: 25–66.
- Attardo, Salvatore (ed.). 2014. *Encyclopedia of Humor Studies*. Los Angeles: Sage.
- Attardo, Salvatore (ed.). 2017. *The Routledge Handbook of Language and Humour*. London: Routledge.
- Attardo, Salvatore and Victor Raskin. 1991. "Script theory revis(it)ed: Joke similarity and joke representation model". *Humor* 4(3–4): 293–347.
- Ávila, Alejandro. 1997. *La censura del doblaje cinematográfico en España*. Barcelona: CIMS.
- Ávila-Cabrera, José Javier. 2013. "Subtitling multilingual films: The case of *Inglourious Basterds*". *Revista Electrónica de Lingüística Aplicada* 12: 87–100.
- Ávila-Cabrera, José Javier. 2014. *The Subtitling of Offensive and Taboo Language: A Descriptive Study*. PhD Thesis. Madrid: Universidad Nacional de Educación a Distancia